

تحلیل نشانه‌شناسی رمان "نازبالش" از هوشنگ مرادی کرمانی

پروین مرتضایی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران

چکیده

دانش نشانه‌شناسی به مطالعه‌ی دلالت‌های ضمنی و معناهای پنهان متن می‌پردازد. در پرتو این دانش بسیاری از داستان‌های ویژه‌ی کودک و نوجوان تازگی و تأثیری بیش‌تری می‌یابد. رمان *نازبالش* اثر هوشنگ مرادی کرمانی یکی از آثاری است که در عناصر خود، انبوهی از نشانه‌ها دارد که با کالبد شکافی از این عناصر به مفاهیم تازه‌ای می‌رسیم. در این پژوهش که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیل انجام شده، با بهره‌گیری از الگوی نشانه‌شناسی پیرس دلالت‌های عنوان و عناصر داستانی نشانه‌شناسی شده و در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان رمان *نازبالش* را با ابزار نشانه‌شناسی بررسی کرد؟ به این یافته‌ها رسیده‌ایم. عنوان اثر، ابداع نویسنده و نشانه‌ای شمایی است و در پیوند با عناصر درون متنی، مفاهیم متنوعی از قبیل بهره‌گیری از قدرت کلام، اغتنام فرصت، ارزش خردورزی، توجه به نسل جوان و اهمیت نقش زنان در اجتماع را به وجود آورده‌است.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی پیرس، نشانه‌های شمایی، نشانه‌های نمایه‌ای، *نازبالش*، هوشنگ مرادی کرمانی.

مقدمه

شیوه‌های نقد نو می‌تواند مفاهیم نهفته در متون ادبی را آشکار کند. یکی از این شیوه‌ها دانش نشانه‌شناسی است. داستان به دلیل ماهیت ادبیش شایستگی ورود به عرصه‌ی نشانه‌شناسی را دارد و در پرتو این دانش، لایه‌های پنهان داستان آشکار می‌شود. با خوانش نشانه‌شناسانه‌ی آثار ادبی ویژه‌ی نوجوانان می‌توان مضمون‌های نهفته در آن را کشف کرد.

آثار داستانی هوشنگ مرادی کرمانی از جمله آثاری است که ماهیت ویژه‌ی آن ضرورت توجه به دانش نشانه‌شناسی را ایجاب می‌کند. رمان *نازبالش* از جمله‌ی این آثار است. در این پژوهش با تکیه بر نشانه‌شناسی پیرس، نشانه‌های ادبی داستان *نازبالش* واکاوی شده و دلالت‌های ثانویه‌ی آن شناسایی شده‌است.

نشانه‌شناسی

نشانه چیزی است که به جای چیز دیگر می‌نشیند و دانش نشانه‌شناسی به مطالعه‌ی نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد (گیرو، ۱۳۸۷: ۱۳). این نظریه را فردینان دوسوسور و پیرس نزدیک به دو قرن پیش مطرح کردند. سوسور الگوی دوگانه‌ی دال و مدلول و دلالت را مطرح کرد و در پرتو این گفتار، دال را تصور صوتی معرفی کرد که مدلول یا همان مفهوم دلالتی را در ذهن ایجاد می‌کند و رابطه‌ی بین این دو را که به نشانه، هستی و انسجام می‌بخشد، دلالت نام‌گذاری کرد. (دوسوسور، ۱۳۷۸: ۱۷۳) در الگوی دوگانه‌ی سوسور دلالت، اختیاری و قراردادی و از پیش تعیین شده است.

پیرس فیلسوف آمریکایی، نیز در دانش نشانه‌شناسی سه الگوی زیر را مطرح کرد:

۱- وجه نمادین: نشانه‌هایی که بر اساس قرارداد به مصداقش مربوط می‌شود و هیچ شباهت یا رابطه‌ی طبیعی بین دال با مصداقش وجود ندارد. فهم این گونه نشانه‌ها وابسته به پیش فرض‌هایی است که در نشانه‌ها قرار داده شده است.

۲. وجه شمایی: در این نشانه‌ها، ارتباط بین دال و مصداقش بر پایه‌ی شباهت واقع شده است.

۳. وجه نمایه‌ای: در آن بین دال با مصداقش رابطه‌ی علی یا طبیعی یا مادی برقرار است. البته یک نشانه ممکن است وجهی از هر سه گونه را در خود داشته باشد. (چندلر، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۶).

پیرس به دسته‌بندی نشانه‌ها پرداخت و وجوه گوناگون نشانه‌ها را تا حدودی نام‌گذاری نمود. وی دلالت-های نشانه‌ای خود را از گونه‌های شباهتی، ضروری و نمایه‌ای دانست و عنوان کرد که این نشانه‌ها بسته به زمان‌های مختلف تغییر می‌کنند. زمانی نشانه‌ای شمایی است اما در قرنی بعد نمادین می‌شود و این موضوع، سبب پیدایش نشانه‌های نمادین-شمایی، نمایه‌ای-نمادین می‌شود. (سجودی ۱۳۸۳: ۳۸۳) نشانه‌شناسی سوسور و پیرس بر زبان‌شناسی استوار است؛ اما امروزه در کنار نشانه‌شناسی زبانی، نشانه‌شناسی ادبی مطرح شده است. در این رویکرد، رابطه‌ی نشانه‌ها در بستر متن بررسی و تحلیل شده و دلالت‌های فرازبانی و تعبیر آن‌ها آشکار می‌شود.

نشانه‌شناسی در ادبیات یا نشانه‌شناسی ادبی، ناظر به رویکردی در مطالعات ادبی است که متن ادبی را به قصد نشان دادن نشانه‌ها در آن می‌خواند. در خوانش نشانه‌شناسانه‌ی متن ادبی، خواننده به دنبال یافتن رد پای عناصری در متن است که علاوه بر دلالت‌های قراردادی و فرهنگ نام‌های، دلالت‌های دیگری

دارند. در خوانش نشانه‌شناسانه‌ی ادبی، باید به این نکته‌ی اساسی توجه کرد که نشانه را با در نظر گرفتن سنخیت و تناسب نشانه با دیگر اجزای متن تحلیل کرد؛ بنابراین هر معنا و مفهومی که به نشانه‌ای در متن استناد داده می‌شود، باید تاییدی از متن پشتوانه‌ی آن باشد. نشانه‌شناس ادبی به دنبال نشانه‌هایی است که سبب برجسته شدن متن شده و آن را از حالت ارجاعی و اطلاع دهی به سطح هنری ارتقا داده‌اند. (به نقل از خلیفه بناروانی، ۲۰: ۱۳۹۱-۲۱).

در نشانه‌شناسی ادبی، این لایه‌ی دوم زبان است که اهمیت می‌یابد؛ چون در سطح دوم از زبان است که معانی جدید در پرتو دلالت‌های قراردادی و ضمنی ایجاد می‌شود. با پذیرش این رویکرد، عنوان *رمان نازبالش* و دیگر عناصر متن، نیز نشانه‌های ادبی هستند و گستره‌ای از اندیشه‌ها را نمودار می‌کنند. اگر بخواهیم عناصر درون متنی این رمان را در تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی پیرس قرار دهیم، باید آن را در دو گونه‌ی نمایه‌ای و شمایی قرار دهیم؛ زیرا بین دال و مدلول‌های آن رابطه‌ی ضروری وجود دارد و شباهت‌هایی نیز قابل دریافت است. البته مجاورت میان عناصر درون‌متنی با عنوان نیز مخاطب را به درک مدلول می‌رساند. در *رمان نازبالش*، از عنوان به مثابه‌ی اولین پل ارتباطی نویسنده گرفته تا دیگر عناصر داستانی از قبیل شخصیت و مکان، همگی به عنوان دلال‌هایی معتبر، مفاهیم و مدلول‌های شگرف و شگفتی را به وجود آورده‌اند. نویسنده در ورای تک تک کلمه‌های روایت، زنجیره‌هایی از مفاهیم زیبا و تاثیرگذار را جایگزین کرده است.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی نشانه‌شناسی رمان نوجوان تاکنون پژوهش‌های اندکی انجام شده‌است. از جمله‌ی این موارد می‌توان به مقاله‌های "تحلیل نشانه -روان کاوی رمان نوجوان "مسابقه دات کام"(۱۳۹۸)، نوشته‌ی امیرحسین رحیمی زنجانبر، " اشاره کرد که نویسنده به خوانشی پساخترگرا از یک رمان نوجوان پرداخته است. در مقاله‌ی "تحلیل نشانه‌شناسی داستان‌های کودک و نوجوان تاجیکی"(۱۳۹۸)، از علی کریمی فیروزجایی، با رویکردی نشانه‌شناسی و الگوی کنشگر گرمس، داستان‌های کودک و نوجوان تاجیکی تحلیل شده است. در "نشانه‌شناسی برساخت سوژه در رمان "هستی" از فرهاد حسن زاده"(۱۳۹۸)، اثر مهناز جوکاری براساس نشانه‌شناسی اجتماعی، نشانه‌ها در بافت اجتماعی و بافت متنی رمان بررسی شده‌اند. اما تاکنون هیچ پژوهشی با رویکرد نشانه‌شناسی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی انجام نشده است.